

RELATIONSHIP BETWEEN DEMOGRAPHIC FACTORS AND MARITAL SATISFACTION

The Relationship Between Demographic Factors and Marital Satisfaction of Couples Intended to Divorce Referred to Family Judicial Complex in Borujerd County

Fazlollah Ghofranipour

* Professor of Health Education Dept., School of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) ghofranf@modares.ac.ir

Farkhondeh Aminshokravi

Associated Professor of Health Education Dept., School of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Roya Tarkashvand

PhD Candidate in Health Education & Health Promotion, Health Education Dept., School of Medical Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Roya.torkashvand@modares.ac.ir

Received: 11 April 2016

Accepted: 30 January 2016

DOI: 10.18869/acadpub.ihepsaj.5.1.43

ABSTRACT

Background and objective: Marital satisfaction is affected by many factors among which the safe and pleasurable marital relationships are the most important one. In Iran, marital satisfaction involves socio-cultural obstacles as well as the limiting policies which make research difficult. Therefore, adequate information is not available in the area. The aim of this research was to determine marital satisfaction level among the couples who intended to separate from each other and its association with some demographic factors.

Materials and methods: This descriptive-correlation study was conducted in 2015 through Black size Randomization among 130 couples intended to divorce referred to the family judicial complex in Borujerd County, Iran. ENRICH and demographic questionnaires were used for data collection and were analyzed through SPSS21.

Results: Marital satisfaction of 51% of women and 57% of men were low. The results also showed that there was a statistically significant association between marital satisfaction and the following factors: age difference of couples ($p = 0.000$), duration of married life ($p = 0.048$), education ($p = 0.035$) and income ($p = 0.041$) and age difference of women ($p = 0.000$), marital type ($p = 0.839$), education ($p = 0.045$), but there was no statistically significant association between marital satisfaction and other factors tested in this study.

Conclusion: According to the results, practical strategies to improve couple's awareness about marital satisfaction and its vital influences on marital satisfaction is recommended. Further studies are needed to be done in order to provide research-based information in this field.

Keywords: Demographic factors - Marital satisfaction, Divorce, Family Court, Borujerd.

Paper Type: Research Article.

► **Citation (Vancouver):** Ghofranipour F, Aminshokravi F, Tarkashvand R. The relationship between demographic factors and marital satisfaction of couples intended to divorce referred to family judicial complex in Borujerd County. *Iran J Health Educ Health Promot*. Spring 2017;5(1): 43-50. [Persian]

► **Citation (APA):** Ghofranipour, F., Aminshokravi, F., & Tarkashvand R. (Spring 2017). The relationship between demographic factors and marital satisfaction of couples intended to divorce referred to family judicial complex in Borujerd County. *Iranian Journal of Health Education & Health Promotion*, 5(1), 43-50. [Persian]

رابطه عوامل جمعیت‌شناسی با رضایت زناشویی زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی خانواده شهرستان بروجرد

چکیده

زمینه و هدف: رضایت زناشویی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. داشتن روابط زناشویی رضایت‌بخش بسیار مهم است. در ایران، رضایت زناشویی تحت تأثیر عوامل فرهنگی‌اجتماعی قرار دارد؛ که وجود محدودیت‌هایی در این‌باره، تحقیقات را با مشکلاتی مواجه می‌کند. بنابراین، اطلاعات کافی در این زمینه وجود ندارد. هدف اصلی این پژوهش، تعیین میزان رضایت زناشویی و ارتباط آن با عوامل جمعیت‌شناختی بود.

مواد و روش‌ها: این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است؛ که در ۱۳۹۴ از طریق نمونه‌گیری تصادفی بر روی ۱۳۰ زوج متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی خانواده انجام شد. از پرسشنامه انریچ و جمعیت‌شناختی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. داده‌ها از طریق SPSS۲۱ تجزیه و تحلیل شدند. **یافته‌ها:** رضایت زناشویی ۵۱ درصد از زنان و ۵۷ درصد از مردان کم بود. نتایج آزمون آماری کای‌اسکوئر و فیشر نشان داد که رضایت زناشویی در مردان به‌طور معناداری با سن زوجین ($p=0/0$)، مدت ازدواج ($p=0/48$)، میزان تحصیلات ($p=0/35$)، میزان درآمد ($p=0/41$) و رضایت زناشویی در زنان به‌طور معناداری با سن زوجین ($p=0/0$)، نوع ازدواج ($p=0/48$) و میزان تحصیلات ($p=0/45$) رابطه معناداری دارد. این در حالی است که از نظر آماری بین رضایت زناشویی و سایر عوامل ارتباط آماری معناداری به دست نیامد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج و تأثیر عوامل مختلف می‌توان راهکارهای عملی در مورد مسائل مؤثر بر افزایش رضایت زناشویی ارائه داد. برای تکمیل اطلاعات در این زمینه انجام مطالعات بیشتر با روش‌های متفاوت پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه: عوامل جمعیت‌شناسی، رضایت زناشویی، طلاق، مجتمع قضایی خانواده، بروجرد. **نوع مقاله:** مطالعه پژوهشی.

فضل‌الله غفرانی پور

* استاد گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ghofranf@modares.ac.ir

فرخنده امین‌شکروی

دانشیار گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

رؤیا ترکاشوند

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

◀ **استناد (ونکوور):** غفرانی پور، ف. امین‌شکروی، ف. ترکاشوند. رابطه عوامل جمعیت‌شناسی با رضایت زناشویی زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی خانواده شهرستان بروجرد. *فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت*. بهار ۱۳۹۶؛ ۵(۱): ۴۳-۵۰.

◀ **استناد (APA):** غفرانی پور، فضل‌الله؛ امین‌شکروی فرخنده؛ ترکاشوند، رؤیا (بهار ۱۳۹۶). رابطه عوامل جمعیت‌شناسی با رضایت زناشویی زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی خانواده شهرستان بروجرد. *فصلنامه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت*. ۵(۱): ۴۳-۵۰.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۱

خانواده نخستین و منحصربه‌فردترین نهاد اجتماعی است؛ که سلامت و بهروزی یک جامعه را مرهون سلامت و رضایت اعضای آن دانسته‌اند. زیرا تأثیر هیچ‌از نهادی و هیچ رابطه‌ای، به آن اندازه از دوام عمیق و شدید برخوردار نیست (۱). خانواده سالم، نظامی باز است که اعضای آن در عین داشتن روابط عاطفی^۱ گرم، هویت فردی خود را حفظ می‌کنند (۲). بدیهی است که تقریباً همه زوجین با امید به آینده‌ای روشن و رضایت زندگی زناشویی خود را آغاز می‌کنند (گلن، ۱۹۹۸؛ لاونر برادبری، ۲۰۱۰^۳، مارکمن، استنلی و بلوم برگ، ۲۰۰۱^۴ به نقل از بردبرگ (۱) در سال ۲۰۱۱) و امیدوارند این رابطه پایا و همیشگی باشد (۲-۳).

دستیابی به جامعه سالم به‌طورقطع در گرو سلامت خانواده است. تحقق خانواده سالم، مشروط به داشتن سلامت روان^۵ و روابط مطلوب با یکدیگر است. از این رو، سالم‌سازی روابط اعضای خانواده آثار مثبتی به دنبال خواهد داشت. ازدواج از نخستین تعهدات عاطفی و قانونی افراد، از جمله تصمیم‌های مهم زندگی، به شمار می‌رود. با وجود پیامدهای ازدواج مناسب، متأسفانه بسیاری از زوجین در برقراری و حفظ روابط مناسب و مؤثر با یکدیگر با مشکلاتی مواجه هستند. از آنجایی که تعاملات بین زوجین^۶ پیامدهای عاطفی، ارتباطی و جنسی دارند، بررسی عوامل اثرگذار بر آن امری ضروری به نظر می‌رسد (۳).

اگر رضایت زناشویی^۷ به‌عنوان عامل استحکام بنیان خانواده به‌طور کامل به‌وجود نیاید، می‌تواند اثرات زیان‌بار جسمی و روانی ایجاد کند و مسیر خانواده را به بیراهه بکشاند (۴). نارضایتی زناشویی می‌تواند نارضایتی ارتباطی، جنسی و مشکلات عاطفی به دنبال داشته باشد و در نهایت، زوجین را در حل تعارضات خود ناکام کند. پژوهش‌های هالفورد و همکاران (۵) در سال ۲۰۱۲

1. Affective
2. Glenn
3. Lovner & Bradburg
4. Markman, Stanly & Blumberg
5. Mental Health
6. couple
7. marital satisfaction

با هدف بررسی تأثیر برنامه غنی‌سازی بر رابطه زوجین نشان داد که ۵۰ درصد علت شکست ازدواج‌ها، نارضایتی جنسی زوجین است.

به نظر می‌رسد یکی از متغیرهای اثرگذار بر رضایت زناشویی متغیر شخصیتی است. طبق دیدگاه درون فردی، گرایش‌های شخصیتی، تعامل^۸ زوجین را با یکدیگر تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ که میزان رضایت در این تعاملات، اثر کلی بر رضایتمندی دارد (۶). یک رابطه رضایتمند، مستلزم آن است که زوجین یاد بگیرند که چه شباهت‌ها و چه تفاوت‌هایی دارند. همسرانی که دریافتن تفاوت‌های فردی ناکارآمد هستند، نسبت به یکدیگر رضایتمندی کمتری دارند (۷).

آسیب‌ها و تعارض‌هایی^۹ که بین زوجین به‌طور مداوم وجود دارد، نه تنها بر زوجین بلکه بر فرزندان آن‌ها نیز اثرات سوء می‌گذارد. به عبارتی، کشمکش والدین منجر به رفتارهای خشونت‌آمیز و پرخاشگری^{۱۰} در کودکان این دست خانواده‌ها می‌شود. هرچند درباره پیشگیری از ناسازگاری زناشویی و طلاق مطالب زیادی آموخته‌شده است؛ اما هنوز در مراحل اولیه فهم چگونگی کمک به زوجین برای داشتن یک ازدواج بادوام و رضایت‌بخش هستیم (۸) و حفظ روابط سالم و پایا برای آنان نیز چالش‌زا است. یکی از دلایل این مسئله، این است که عواملی که رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد احتمالاً پیچیده‌اند (۹)؛ همچنین تعاملات زوجین و رضایت درونی آن‌ها بر این روابط بسیار تأثیرگذار است (۱۰).

آمار زیاد طلاق نشان از نارضایتی‌های زناشویی دارد. (۱۱). البته بسیاری از ازدواج‌های ناشاد و آشفته نیز وجود دارند؛ که زوجین به دلایل گوناگون طلاق نمی‌گیرند و یکدیگر را تحمل می‌کنند. به‌طور مثال، در استان‌های ایلام، کرمانشاه و همدان آمار طلاق به‌ظاهر پایین است؛ ولی سایر شاخص‌ها مفهوم دیگری را نشان می‌دهند. آمار خودسوزی زنان در ایلام و کرمانشاه،

8. Interaction

9. conflict

10. aggressive

که دردناک‌ترین نوع خودکشی است، می‌تواند نشانه فریاد کمک‌طلبی زنان و نارضایتی آن‌ها از زندگی زناشویی آن‌ها باشد (۱۲). آمارها ۲۰۱۴ حاکی از آن است که در ایالات متحده تقریباً یک‌دوم تا دوسوم ازدواج‌ها به طلاق می‌انجامد (۱۳).

درک و فهم رضایت زناشویی با وجود ازدواج و طلاق در جوامع اهمیت می‌یابد. ظاهراً رضایت زناشویی یک عامل تعیین‌کننده مهم بهزیستی روان‌شناختی برای زوجین است. افراد دارای بهزیستی بهتر رفتارهای روانتیک بهتری را نشان می‌دهند (۱۴). از طرف دیگر، یکی از عوامل ایجادکننده رنج انسانی نارضایتی زناشویی است (۱۲-۱۳)؛ که با افسردگی اساسی^۱ نیز مرتبط است و به‌ویژه فروپاشی و انحلال روابط برای اعضای خانواده بسیار تخریب‌کننده است (۱۵). مطالعات نشان می‌دهند که داشتن یک رابطه سالم رضایت‌بخش متقابل، پیش‌بینی‌کننده بالقوه سلامت مثبت و بهزیستی برای زوجین و فرزندان‌شان است (۱۶). بنابراین، درحالی‌که به نظر می‌رسد ازدواج رابطه بسیار خوشایندی باشد (۱۷)، آمار نشان می‌دهد که رضایت زناشویی به‌راحتی به‌وجود نمی‌آید و میزان زیاد طلاق مؤید این موضوع است (۱۸).

از آنجایی‌که درک متقابل از روابط در زوجین و ارضاء نیازهای آنان اعم از جنسی و غیرجنسی، تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله سن ازدواج زوجین، تعداد فرزندان و وضعیت اقتصادی و ... است، لذا پرداختن به رابطه متقابل این عوامل با رضایت زناشویی و تداوم و پایداری زندگی زناشویی اهمیت زیادی دارد (۱۹). هدف از انجام این تحقیق بررسی رابطه عوامل جمعیت‌شناختی مثل سن ازدواج، اختلاف سنی زوجین، سطح تحصیلات زوجین، مدت‌زمان ازدواج، تعداد فرزندان و وضعیت اعتیاد بر رضایت زناشویی زوجین بود. به‌طور کلی این سؤال مطرح است که بین عوامل جمعیت‌شناختی و رضایت زناشویی رابطه‌ای وجود دارد؟ فرضیه‌های این پژوهش نیز عبارت بودند از: ۱. رضایت زناشویی زوجین با یکدیگر متفاوت است. و ۲. عوامل جمعیت‌شناختی (سن، میزان تحصیلات، شغل)،

با رضایت زناشویی رابطه دارد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر مطالعه توصیفی-همبستگی بود. جامعه پژوهش کلیه زوجین متقاضی طلاق توافقی مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی خانواده شهرستان بروجرد بودند؛ که از این میان ۱۳۰ زوج به روش نمونه‌گیری تصادفی^۲ انتخاب شدند. این افراد با معیارهای مختلف وارد پژوهش شدند: داوطلب بودن، متقاضی طلاق توافقی، نداشتن بیماری روانی و مغزی و اولین بار طلاق گرفتن.

ابزار پژوهش، پرسشنامه جمعیت‌شناختی شامل سن، شغل، میزان درآمد، مدت ازدواج، نوع ازدواج، تعداد فرزندان، میزان تحصیلات، وضعیت اعتیاد، نوع ازدواج و محل زندگی بود؛ که با آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شده بود. ابزار دیگر مقیاس رضایت زناشویی انریچ بود که فورز و السون^۳ در سال ۱۹۸۹ از آن برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کرده بودند و معتقد بودند که این مقیاس نسبت به تغییراتی که در خانواده به وجود می‌آید، حساس است. مقیاس زوجی اینریچ یک اندازه‌گیری کلی از روابط زناشویی شامل این موارد است: تحریف آرمانی^۴ رضایت زناشویی، شخصیت^۵، ارتباطات^۶، حل تعارض^۷، مدیریت مالی^۸، فعالیت‌های اوقات فراغت^۹، رابطه جنسی^{۱۰}، فرزندان و فرزندپروری^{۱۱}، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبی مربوط به زن و مرد^{۱۲}، جهت‌گیری مذهبی^{۱۳}، همبستگی زوج‌ها^{۱۴} و تغییرات زناشویی؛ که با مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (۰=هرگز،

2. Black size randomization
3. Fowers & Olson
4. idealistic distortion
5. personality
6. communication
7. conflict resolution
8. financial management
9. leisure activities
10. sexual relationship
11. children and parenting
12. equalitarian roles
13. religious orientation
14. marital cohesion

1. major depression

متغیر	زوج	زن	مرد
۱-۳	۱۸(۱۳,۸)		
۳-۶	۲۸(۲۱,۵)		
۶-۱۵	۲۷(۲۰,۵)		
+۱۵	۱۰(۷,۷)		
نحوه آشنایی برای ازدواج			
دوستان و آشنایان	۲۲(۱۶,۹)		
خانواده	۴۰(۳۰,۸)		
معرفی دیگران	۶۸(۵۲,۳)		
محل زندگی			
شهر	۱۱۶(۸۹,۲)		
روستا	۱۴(۱۰,۸)		
علت تقاضای طلاق			
مشکلات رفتاری	۴۶(۳۵,۴)		
اعتیاد	۲۲(۱۶,۹)		
اقتصادی	۸(۶,۲)		
interfere	۸(۶,۲)		
بدگمانی	۶(۴,۶)		
بیماری مقاربتی	۳۲(۲۴,۶)		
بیماری روان‌تنی	۴(۳,۱)		
نازایی	۴(۳,۱)		
تعداد فرزندان			
۰	۶۰(۴۶,۲)		
۱	۳۸(۲۹,۲)		
۲	۲۴(۱۸,۵)		
۳	۶(۴,۶)		
۴	۲(۱,۵)		

جدول ۱ نشان می‌دهد که سن حدوداً ۶۸ درصد زنان متقاضی طلاق بین ۱۸-۴۵ سال و سن ۵۶ درصد مردان بین ۲۶-۴۵ سال، ۷۵ درصد از زنان و ۷۸ درصد مردان تحصیلات زیر دیپلم، ۷۲ درصد زنان بیکار و بدون درآمد و ۵۸ درصد مردان شغل آزاد با درآمد متوسط ۱-۲ میلیون تومان بودند. از بین متقاضیان طلاق، ۲۲ درصد آنان سال اول زناشویی‌شان بود؛ ۵۲ درصد ازدواج آن‌ها به شکل معرفی توسط دوستان و آشنایان، محل زندگی ۹۰ درصد آن‌ها شهر بود. علت تقاضای طلاق ۳۵ درصد مشکلات رفتاری (ضرب و شتم، دشنام‌گویی، بی‌توجهی و بی‌احترامی)، مشکلات جنسی ۲۴ درصد و ۱۷ درصد اعتیاد بودند. از نظر تعداد

۱=بندرت، ۲=گاهی اوقات، ۳=بیشتر اوقات یا ۴=همیشه) درجه‌بندی شده است. روایی و پایایی مقیاس زوجی اینرچ در پژوهش‌های داخلی و خارجی مورد تأیید قرار گرفته است (۴). در این پژوهش، ابتدا کلیه نمونه‌ها فرم رضایت‌نامه را آگاهانه تکمیل کردند. اطلاعات مندرج در پرسشنامه‌ها محرمانه بود. در پایان هم نتایج به صورت کلی منتشر شد و در اختیار نمونه‌ها قرار گرفت. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از SPSS20 تحلیل شدند. جهت تحلیل داده‌ها از ضریب کندال استفاده شد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی:

جدول ۱. جدول توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه زوج مورد مطالعه (تعداد نمونه = ۱۳۰ زوج)

متغیر	زوج	زن	مرد
سن			
< ۱۸		۱۲(۹,۲)	۰
۱۸-۲۵		۴۴(۳۳,۹)	۳۴(۲۶,۲)
۲۶-۴۵		۴۴(۳۳,۹)	۷۴(۵۶,۹)
+۴۶		۳۰(۲۲)	۲۲(۱۶)
تحصیلات			
ابتدائی		۵۸(۴۴,۶)	۴۸(۳۶,۹)
دیپلم		۴۴(۳۳,۸)	۵۰(۳۸,۵)
کارشناسی		۲۴(۱۸,۵)	۲۸(۲۱,۵)
بالتر از کارشناسی		۴(۳,۱)	۴(۳,۱)
شغل			
آزاد		۸(۶,۲)	۷۶(۵۸,۵)
کارمند		۱۲(۹,۲)	۳۸(۲۹,۲)
بی‌کار		۹۴(۷۲,۳)	۱۶(۱۲,۳)
درآمد (میلیون تومان)			
< ۱			۲۴(۱۸,۵)
۱-۲		۱۶(۱۲,۳)	۶۶(۵۰,۸)
+۲		۴(۳,۱)	۳۶(۲۷,۷)
بدون درآمد		۱۱۰(۸۴,۶)	۴(۳,۱)
طول مدت ازدواج (سال)			
۱		۲۹(۲۲,۵)	

فرزندان نیز ۳۰ درصد از زوجین بدون فرزند بودند؛ که در این میان تنها ۳ درصد نازایی را علت تقاضای طلاق خود اعلام کرده بودند.

جدول ۲. توصیف نمرات رضایتمندی زناشویی و خرده‌مقیاس‌های آن

متغیر	سن	زن	مرد
رضایتمندی زناشویی	۱۵-۵	(۵۰.۸)۶۶	(۵۶.۹)۷۴
	۳۵-۲۰	(۴۴.۶)۵۸	(۴۰)۵۲
	۶۰-۴۰	(۴.۶)۶	(۳.۱)۴
رضایت از ارتباط	۱۵-۵	(۵۰.۸)۶۶	(۵۳.۸)۷۰
	۳۵-۲۰	(۴۹.۲)۶۴	(۴۳.۱)۵۶
	۶۰-۴۰	۰	(۳.۱)۴
رضایت از حل تعارضات	۱۵-۵	(۵۵.۴)۷۲	(۶۷.۷)۸۸
	۳۵-۲۰	(۴۳.۱)۵۶	(۳۰.۸)۴۰
	۶۰-۴۰	(۸.۳)۲	(۸.۳)۲
تحریف آرمانی	۱۵-۵	(۳.۰۵)۴	(۱.۵۹)۲
	۳۵-۲۰	(۵۰.۸)۶۶	(۵۳.۸)۷۰
	۶۰-۴۰	(۴۶.۲)۶۰	(۴۴.۶)۵۸
رضایت از وضعیت جسمی	۶-۰	(۴۰)۵۲	(۳۳.۸)۴۴
	۱۱-۷	(۴۳.۱)۵۶	(۴۶.۲)۶۰
	۱۶-۱۲	(۱۳.۸)۱۸	(۱۶.۹)۲۲
میزان اضطراب	۲۱-۱۷	(۳.۱)۴	(۳.۱)۴
	۶-۰	(۲۹.۲)۳۸	(۲۴.۶)۳۲
	۱۱-۷	(۵۲.۳)۶۸	(۵۶.۹)۷۴
رضایت از وضعیت اجتماعی	۱۶-۱۲	(۱۸.۵)۲۴	(۱۵.۴)۲۰
	۲۲-۰	(۴۴.۶)۵۸	(۴۷.۷)۶۲
	۴۰-۲۳	(۴۹.۲)۶۴	(۴۷.۷)۶۲
افسردگی	۶۰-۴۱	(۶.۲)۸	(۴.۶)۶
	۶-۰	(۳۵.۴)۴۶	(۲۴.۶۱)۳۲
	۱۱-۷	(۵۵.۴)۷۲	(۶۱.۵)۸۰
سلامت عمومی	۱۶-۱۲	(۹.۲)۱۲	(۱۳.۸)۱۸
	۲۱-۱۷	۰	۰
	۲۲-۰	(۵۸.۵)۷۶	(۴۳.۱)۵۶
	۴۰-۲۳	(۴۰)۵۲	(۵۲.۳)۶۸
	۶۰-۴۱	(۱.۵)۲	(۴.۶)۶

جدول ۲ این نتایج را نشان می‌دهد: بیش از ۵۰ درصد زنان و

مردان از رضایت زناشویی کمی برخوردار بودند. نیمی از زوجین از ارتباط بین فردی خود ناراضی بودند. بیش از نیمی از آن‌ها از حل تعارضاتشان ناراضی بودند؛ ۳۰ درصد از زوجین انتظارات غیرواقعی از یکدیگر داشتند. ۳۰ درصد زوجین از وضعیت جسمانی خود رضایت کمی دارند. اضطراب در ۳۰ درصد زوجین زیاد بود و از وضعیت اجتماعی خود ناراضی بودند و از خلق کم رنج می‌برند.

یافته‌های تحلیلی:

فرضیه: بین رضایت زناشویی زوجین و عوامل جمعیت‌شناختی آن‌ها رابطه وجود دارد.

الف: بررسی رابطه بین رضایت زناشویی زنان و عوامل جمعیت‌شناختی

جدول ۳. همبستگی بین رضایت زناشویی زنان و عوامل جمعیت‌شناختی (با استفاده از آزمون همبستگی کندال)

نوع ازدواج	طول مدت ازدواج	شغل	درآمد	تحصیلات	سن	ضریب همبستگی	p-value
---	۰/۰۵۳	۰/۰۵۷	۰/۱۱۱	۰/۱۹۹	۱	۰/۲۲۵	۰/۰۳۹
	۰/۶۲۶	۰/۶۳۸	۰/۳۹۰	۰/۴۵	۰/۰۰۰		

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بین سن زنان و رضایت زناشویی آن‌ها ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۵$). به عبارت دیگر، با افزایش سن رضایت زناشویی زنان افزایش یافته است؛ که این یافته با نتایج تحقیق هالفورد و همکاران (۲۰) که در سال ۲۰۰۸ نشان دادند که با افزایش سن رضایت زناشویی زنان کاهش می‌یابد همخوانی ندارد.

بین رضایت زناشویی زنان و میزان تحصیلات رابطه معکوس و معناداری وجود داشت ($p < ۰/۰۵$). به عبارت دیگر، هرچه میزان تحصیلات افزایش می‌یافت، رضایتمندی زنان کاهش می‌یافت. مارکمن و ریتچی (۱۴) در سال ۲۰۱۳ در تحقیقی با هدف بررسی برنامه پیشگیری و آموزشی رابطه^۱ زوجین پیش از ازدواج بر رضایت زناشویی آن‌ها نشان دادند که زوجینی که با سطح

زناشویی مردان و میزان تحصیلات رابطه معکوس و معناداری وجود دارد ($p < 0/05$). به عبارت دیگر، هرچه میزان تحصیلات افزایش می‌یابد، رضایت مردان کاهش می‌یابد. تحقیق لبتسینگر و گوردون (۲۳) در سال ۲۰۱۳ نشان داد که با افزایش سن و میزان تحصیلات رضایتمندی کاهش می‌یابد.

یافته‌ها نشان می‌دهد بین رضایت زناشویی مردان و طول مدت ازدواج رابطه معکوس و معناداری وجود دارد ($p < 0/05$). به عبارت دیگر، با افزایش سن ازدواج، رضایت زناشویی در مردان کاهش می‌یابد. لبتسینگر و گوردون (۲۳) که با هدف بررسی تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی بر زوجین انجام داده بودند، مؤید این مسئله است که با افزایش سن، رضایت زناشویی مردان کاهش می‌یابد.

همچنین بین درآمد، شغل و نوع ازدواج و رضایت زناشویی در گروه‌های موردبررسی این پژوهش تفاوتی مشاهده نشد ($p < 0/05$). در تحقیق داس و همکاران (۲۴) در سال ۲۰۰۹ نتایج نشان داد که درآمد و شغل با رضایت زوجین رابطه معنادار و مستقیم دارد؛ که این با نتیجه تحقیق حاضر همخوانی ندارد. لذا باید تأثیر عوامل فرهنگی را در آن بررسی کرد.

بحث

هدف این پژوهش بررسی رابطه عوامل جمعیت‌شناختی و رضایت زناشویی در زوجین متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مجتمع قضایی شهرستان بروجرد بود. نتایج این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های سن، تحصیلات و مدت ازدواج با رضایت زناشویی زوجین ارتباط معناداری دارد و رابطه سن و رضایت زناشویی به صورت مستقیم و معنادار بوده ولی ارتباط میان میزان تحصیلات و مدت ازدواج به صورت معکوس و معنادار بوده است. آنچه از این تحقیق و تحقیقات مشابه برمی‌آید، عوامل جمعیت‌شناختی با میزان رضایت زوجین از زندگی زناشویی رابطه دارد. به عبارت دیگر، توجه به این نکته ضروری است که اگر بخواهیم بر رضایت زناشویی و در نتیجه بر استحکام و پایداری خانواده تأثیر بگذاریم، باید

آگاهی بیشتری در جلسات توانمندسازی شرکت کرده بودند، حساسیت بیشتری در زمینه مسائل ارتباطی همسرشان نشان داده بودند و گرایش به طلاق بیشتری را در مقایسه با زوجینی که پیش از ازدواج آگاهی کمتری داشته‌اند و در جلسات توانمندسازی شرکت کرده بودند، نشان دادند؛ که مؤید پژوهش حاضر است.

همچنین بین نوع ازدواج و رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود داشت ($p < 0/05$)؛ به گونه‌ای که در ازدواج‌های فامیلی و معرفی در مقایسه با نوع دوستی رضایتمندی کمتری گزارش شده بود.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که بین میزان درآمد و نوع شغل و طول مدت ازدواج با رضایت زناشویی رابطه‌ای وجود ندارد ($p < 0/05$)؛ که این یافته با تحقیق بری‌یتوس و پایز^۱ (۲۱) در سال ۲۰۱۲ که دریافتند سطح اقتصادی با رضایت جنسی در زنان مرتبط است و با تحقیق یانگ جی^۲ و همکاران (۲۲) در سال ۲۰۱۲ که دریافتند رضایت جنسی با درآمد بالا رابطه معکوس دارد، همخوانی ندارد. بررسی علت آن در جامعه ما ضروری به نظر می‌رسد.

ب: بررسی رابطه بین رضایت زناشویی مردان و عوامل جمعیت‌شناختی

جدول ۴. همبستگی بین رضایت زناشویی مردان و عوامل جمعیت‌شناختی (با استفاده از آزمون همبستگی کندال)

نوع ازدواج	طول مدت ازدواج	شغل	درآمد	تحصیلات	سن	ضریب همبستگی
۰/۰۶۲	-۰/۱۴۱	-۰/۰۶۲	-۰/۰۴۱	-۰/۲۴۲	-۱/۰۰۰	
۰/۵۹۵	۰/۰۴۸	۰/۵۹۴	۰/۷۲۶	۰/۰۳۵	۰/۰۰۰	p-value

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بین سن مردان و رضایت زناشویی آن‌ها ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد ($p < 0/05$). به عبارت دیگر، با افزایش سن مردان رضایت زناشویی آن‌ها کاهش می‌یابد. این یافته با تحقیق بین رضایت

در پژوهش‌های آتی بررسی شوند.

سیاسگزاری

این مقاله حاصل پایان‌نامه دکتری گروه آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت دانشگاه تربیت مدرس است و مورد حمایت مالی و معنوی آن دانشگاه قرار گرفته است. کلیه حقوق مادی و معنوی حاصل از آن به دانشگاه تربیت مدرس تعلق دارد.

برنامه‌های توانمندسازی و غنی‌سازی را با توجه به ویژگی‌های محیطی، جمعیت‌شناختی زوجین، طراحی و تدوین نماییم.

نتیجه‌گیری: با توجه به میزان رضایت زناشویی و متغیرهای بررسی شده در این پژوهش و اهمیت مسئله رضایت زناشویی در پایداری خانواده، پیشنهاد می‌شود که رابطه سایر عوامل مؤثر بر این مسئله مثل عوامل فرهنگی، مذهبی، روابط پیش از ازدواج،

References:

1. Goldenberg, H. and I. Goldenberg (2012). Family therapy: An overview, Cengage Learning.
2. Killinger, K. A., et al. (2014). "Exploring Factors Associated With Sexual Activity in Community-Dwelling Older Adults." *Research in gerontological nursing* 7(6): 256-263.
3. Amato, P. R. (1996). "Explaining the intergenerational transmission of divorce." *Journal of Marriage and the Family*: 628-640.
4. Markman, H. J., et al. (2013). "A randomized clinical trial of the effectiveness of premarital intervention: Moderators of divorce outcomes." *Journal of Family Psychology* 27(1): 165.
5. Halford, W. K., et al. (2015). "The Gap Between Couple Therapy Research Efficacy and Practice Effectiveness." *Journal of marital and family therapy*.
6. Jamali, S., et al. (2014). "The relationship between body mass index and sexual function in infertile women: A cross-sectional survey." *Iranian journal of reproductive medicine* 12(3): 189.
7. Halford, W. K., et al. (2015). *Couple Communication. Clinical Guide to Helping New Parents*, Springer: 39-57.
8. Watson, D., et al. (2000). "General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self-and partner-ratings." *Journal of personality* 68(3): 413-449.
9. Gattis, K. S., et al. (2000). "Birds of a feather or strange birds? Ties among personality dimensions, similarity, and marital quality." *Journal of Family Psychology* 18 (4):564.
10. Javanmard, G. H. and R. M. Garegozlo (2013). "The Study of Relationship Between Marital Satisfaction and Personality Characteristics In Iranian Families." *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 84: 396-399.
11. Yoo, H., et al. (2014). "Couple communication, emotional and sexual intimacy, and relationship satisfaction." *Journal of Sex & Marital Therapy* 40(4):257-293.
12. Khadivzadeh, T., et al. (2016). "The Effect of Interactive Educational Workshops with or Without Standardized Patients on the Self-Efficacy of Midwifery Students in Sexual Health Counseling." *Journal of Midwifery and Reproductive Health* 4(2): 562-570.
13. Mohr, W. K. (2006). *Psychiatric-mental health nursing*, Lippincott Williams & Wilkins.
14. Markman, H. J. and L. L. Ritchie (2015). "Couples relationship education and couples therapy: healthy marriage or strange bedfellows?" *Family process* 54(4): 655-671.
15. Waite, L. J., et al. (2009). "Marital happiness and marital stability: Consequences for psychological well-being." *Social Science Research* 38(!): 201-212.
16. Fowers, B. J. and D. H. Olson (1989). "ENRICH Marital Inventory: A discriminant validity and cross-validation assessment." *Journal of marital and family therapy* 15(1): 65-79.
17. Jamali, S., et al. (2014). "Sexual function in fertile and infertile women referring to the Jahrom Infertility in 2011." *women's health* 4: 5.
18. Rosen-Grandon, J. R., et al. (2004). "The relationship between marital characteristics, marital interaction processes, and marital satisfaction." *Journal of Counseling & Development* 82(1): 58-68.
19. Madathil, J. and J. M. Benschoff (2008). "Importance of marital characteristics and marital satisfaction: A comparison of Asian Indians in arranged marriages and Americans in marriages of choice." *The Family Journal* 16(3): 222-230.
20. Halford, W. K., et al. (2008). "Strengthening couples' relationships with education: Social policy and public health perspectives." *Journal of Family Psychology* 22(4): 497.
21. Barrientos, J. E. and D. Páez (2006). "Psychosocial variables of sexual satisfaction in Chile." *Journal of Sex & Marital Therapy* 32(5): 351-368.
22. Young, J. L. (2012). *Chinese-American Transnational Marriage: Cultural Differences and Marital Satisfaction*, The Ohio State University.
23. Litzinger, S. and K. C. Gordon (2005). "Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction." *Journal of Sex & Marital Therapy* 31(5): 409-424.
24. Doss, B. D., et al. (2009). "The effect of the transition to parenthood on relationship quality: an 8-year prospective study." *Journal of personality and social psychology* 96(3): 601.